



بنام آنکه جان را فکرت آموخت

بیدار دل باشیم

این روزها حال خوبی جاریست، انگار خدا نزدیکتر از قبل شده، مهربانتر از روزهای قبل به تو نگاه می کند، فرشته ها بی صبرانه منتظرند تا تو حرف خوبی بزنی، کلامی نیکو بر زبان بیاوری، فکر و اندیشه ای زیبا و مثبتی از ذهن بگذرانی و کاری خدایی انجام دهی تا بلافاصله با عشق و ذوق آن را برایت ثبت و ضبط کنند با وسواسی مهربانانه بر این مبنی که می خواهند نیکی ها برایت وزین تر باشد مثل وقتی که واژه و جمله ای را بولد می نویسد یا آن را به عنوان تیتراژ قرار می دهد. این روزها تمام زیبایی هایی که می اندیشیم و انجام می دهیم تیتراژ می شود، و نازیبایی ها به یمن عشق و رحمت بی انتهای الهی کم رنگ تر می شوند و کافی ست تو آماده تغییر باشی، خالص شوی و با او آشتی کنی تا همه را برایت خط بزند و پاک و تطهیر شوی چنان روزی که تازه متولد شده بودی. این روزها همه جهان هستی به تو چشم دوخته اند تا ببیند چگونه که از تو در عرش الهی گفته اند و می گویند و اینکه در این ضیافت بی نظیر که خاص توست چگونه ظاهر می شوی؟

این روزها عرشیان برای گذر تو از مسیرهای سخت و به سلامت رسیدن دست به دعا دارند و ملائک بال گشوده اند که اگر خدای ناخواسته لغزشی کنی تو را به بال دعا نگه دارند از سقوط و سختی. این روزها فرشته ها به فرمان الهی گوش به زنگ هستند تا تو خواسته ای خالصانه داشته باشی و آنها آمین بگویند و دعایت مستجاب گردد. این شبها فرشتگان الهی هر قدمی خیری که بر می داری در مسیری خیر و الهی تو با سلام و صلوات و تکریم مشایعت می نمایند تا از گزندها در امان باشی. این روزها و شبها دلها آرامتر و امن تر از همیشه است تا شاید برای همیشه به صراط مستقیم برگردد. این روزها نیک اندیشان سرخوش ترند امیدها و آرزوها نزدیکتر و دست یافتنی تر به یمن توکل به الله مهربان. این شبها کسانی را می بینی که با قلبهایی نادم، نیازمند و امیدوار آمده اند تا با خدای خودشان خلوت کنند و خالصانه از او بخواهند تا پاک گردند از ملال غم ها،

نادرستی ها و نامهربانی هایی که با خود و خدایشان کرده اند. می آیند و دست به دعا بر می دارند تا خواسته ها و آرزوهایشان را فقط با او در میان بگذارند و طلب یاری و همراهی کنند تا به مطلوب خویش برسند. اشکهایی را می بینی که قطره قطره از چشمانی معصوم می چکند و ناپاکیها و اندوه ها را با خود شسته و می برد به جایی که دستش به قلبهای مطمئن از ایمان به الله نرسد.

این شب ها و روزهای زیبا دیدنی است. و البته که خوب است که این زیبایی ها همیشه باشد و نه برای یک شب و دو شب....

چهره هایی را می بینی که از آنها نور می تراود با تمام ضعف تشنگی و گرسنگی. نگاههای خویشتن داری را می بینی که به عشق طاعت او ذکر گوین هستند و سرمست از هم پیمانی با او. و چه ارج می نهد الله یکتا کسانی را که پیمان او را همواره و هر لحظه به یاد دارند و دوستی دوست داشتنی برای آنها خواهد بود برای همیشه...

ماه مبارک رمضان است و حال و هوای بسیار لطیف، معنوی و دلپذیری در همه جا موج می زند، انرژی با ارتعاش و فرکانسی آرامش دهنده در همه جا جاری شده که سبب حال خوب خدایی، احساس امنییت و سبکبالی می شود، و اما روز پیش از فردی شنیدم که می گفت، روزه گرفتن از مد افتاده و . و دیگه هیچ کس روزه نمی گیره. روزه به چه درد می خوره؟ قصد ندارم در مورد اینکه چرا آن فرد روزه گرفته یا نمی گیرد صحبت کنم، او مسئول رفتار خودش بوده و به تصمیمش بستگی دارد. آن چیزی که مهم است و قصد دارم به آن بپردازم این موضوع است که متأسفانه ما گاهی دانسته یا نادانسته انتشار دهنده آگاهی و اطلاعاتی می شویم که درست و حق نیست و البته که گاهی این اتفاق در مورد مسائلی می افتد که به جنبه های اصیل معنوی، دینی و روحی ما مربوط می شود. برداشتهای شخصی خودمان را به عام و همه نسبت می دهیم بدون بررسی و تحقیق. بدون اینکه حتی از یه نفر دیگه در مورد آن موضوع سوال بپرسیم یا خوب و

دقیق آن را موضوع را بررسی کنیم، و این جاست که ممکن است مرتکب اشتباهاتی شده و مشکلاتی برای خودم ایجاد کنیم.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که مسلمان و اسلام آورده است. مسلمانانی که به خداوند ایمان دارند، قرآن کتاب آسمانی آنهاست و آنچه حکم و توصیه کرده را می‌پذیرند. مسلمان و ایمان آورده به الله کسی ست که به یقین قلبی رسیده باشد، کسی که گردن می‌نهد بر امر الله و در مسیر و هماهنگ با خداوند حرکت می‌کند، خدا گونه می‌اندیشد، خداگونه می‌گوید، خداگونه رفتار می‌کند. (لطف رفتارهایی که ناهماهنگ با قوانین الهی است و بعضاً از افرادی می‌بینید به اسلام و مسلمانان تعمیم ندهید، در فایل صوتی در این مورد توضیح داده شده)

فایل صوتی بیدار دل باشیم

الله همانی را به شما خواهد داد که دنبالش باشید و بخواهید. این را بدانید که حق همیشه حق و خوبی همیشه خوبی خواهد بود، خیر همیشه خیر و شر هم همیشه شر. اینها نه قدیمی می‌شوند و نه از مد خواهند افتاد. کارهای زیبا و نیکو همیشه نیکو و زیبا هستند و کارهای زشت هم همیشه زشتی و قباحت خود را دارند؛ هر چند که سعی شود که خلاف این به نظر بیاید اما شعور الهی درونی و فطرت پاک الهی انسانی هرگز اشتباه نمی‌کند و شر و زشتی را خیر و زیبایی نخواهد دید و نخواهد پسندید.

و چطور ممکن است در سرزمینی که نزدیک به هشتاد میلیون جمعیت دارد که به جز اندک شماری غیر مسلمان هستند، هیچ کس روزه نگیرد؟ آیا کسانی را نمی‌توان یافت که روزه دار باشند، آیا افرادی را نمی‌شود دید که خداگونه زندگی می‌کنند، آیا همه افراد این جامعه دزد هستند، آیا همه افراد این جامعه کلاهبردار هستند؟ آیا تمام مردم خلافتکار و بی بند و بار هستند؟

امیدوارم به آنچه منظور من است رسیده باشید، معلوم است که پاسخ همه سوالات بالا خیر خواهد بود؟ هر فرد عاقل، منصف و نیک اندیشی این را خواهد فهمید. وقتی صحبتی می کنیم، نظریه ای می دهیم باید کمی متفکرانه تر با بررسی جوانب و آگاهانه تر باشد آنهم در مورد مسائلی که با جنبه های معنویت و دینی افراد یک جامعه سرو کار دارد. من یا شما در زندگی تک تک افراد جامعه نیستیم که بدانیم واقعا آنها روزه دار هستند یا خیر؟ گرچه نظر من این است که اکثریت روزه دارند و عده ی خیلی حالا به هر دلیلی ممکن است روزه نگیرند، شاید فردی وضعیت سلامتی

بدنش طوری باشد که نتواند روزه بگیرد، درست نیست که قضاوت کنیم آنهم به اشتباه و گسترش دهنده آگاهی های ناحق باشیم. متأسفانه ما عادت کرده ایم به یکی دیدن و به کل نسبت دادن. یعنی اگر مورد هایی می بینیم که به فرض مثال کسی دیده ایم که روزه خواری کرده می گوئیم که هیچ کس روزه نیست، فردی یا افراد خیلی رو می بینیم که در اجتماع رفتارهای غیر اخلاقی و نابهنجار از خود نشان می دهند، کلاهبرداری می بینیم، کج اندیشی می بینیم و می شنویم می گوئیم همه کلاهبردارن، همه ثروتمندان دزد هستند، آدمها همه می خواهند از تو سوء استفاده کنند، آدم خوب وجود ندارد، آدم خیرخواه و مهربان دیگر نیست هر کسی به فکر جیب و منفعت خودش است و می خواهند از تو پله برای پیشرفت خودشان بسازند، همه خانمها همه آقایان همه آدمها و ... این نوع نگاه و باور است که مشکل ساز و دردسرافزین خواهد شد. **اگر چنین باور و نگرشی داشته باشید تنها به خودتان آسیب خواهید زد، یعنی اگر شما فردی باشید که اینطور به دنیا نگاه می کند و همیشه به این شکل قضاوت می کنید، مدام دنیا هم به همین شیوه با شما رفتار خواهد کرد. با افراد، موقعیت ها و شرایطی برخورد می کنید که بر اساس همین باور شماست. افرادی سر راهتان سبز می شوند که می خواهند از شما سوءاستفاده کنند، به شما ضربه می زنند، کلاه سرتان می گذارند، آنهم مدام و به تکرار نه یک بار نه دوبار نه ده بار بلکه همواره نتایج و شواهدی را جذب و دعوت به زندگی**

خود خواهید کرد که باورتان را به اثبات برساند و اثبات این ادعای شما باشد که به خودتان ببالید و بگویید دیدید من درست می‌گفتم آدم خوب وجود ندارد... این نکته بسیار مهمی ست. در واقع قانون جذب همیشه در زندگی ما اجرا شده و عمل می‌کند.

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم جهانی بر پایه قوانین محکم و بسیار دقیق است. هوشمندی و نظم بسیار شگفت‌انگیز هستی و کیهان هر ذهن و دل آگاه و روشنی را به این یقین و ایمان خواهد رسانید که آفریننده و خالقی عظیم و با قدرتی بی‌نهایت در پس این نظامندی و هوشمندی وجود دارد. نیرویی برتر و خالق وجود دارد که هر قدر هم کسانی بخواهند با بی‌انصافی و یا حتی بر پایه ادله‌های به قول خودشان علمی خود وجود آن را نادیده بگیرند خرد درونی و شعور الهی که در ذره ذره هستی وجود دارد قادر به رد شدن از آن و انکار وجود آن حقیقت نیست

و نخواهد بود. روی سخن من با کسانی است که به این خرد، آگاهی و باور رسیده‌اند، خدا را باور کرده‌اند، ایمان آورده‌اند به این نیروی برتر و به دنبالش به قرآن رسیده‌اند، به کاملترین مرجع و کتاب زندگی بشریت و انسانی. **کتابی که کلام الله است و هر آنچه برای سعادت‌مندی، رستگاری، موفقیت، آرامش و خوشبختی نیاز داریم را در بر می‌گیرد، راهنمایی که خداوند قرار داده تا هرگز به بیراهه نرویم و همواره در مسیر درست و هماهنگ با قوانین سعادت‌مندی زندگی کنیم تا سعادت دنیا و آخرت را به دست بیاوریم.**

حال این ما هستیم که اسلام آورده‌ایم، و آنقدر خوش شانس و خوش اقبال بوده و هستیم که در این زمان، در چنین جامعه و خانواده‌ای متولد شده‌ایم که این لطف الهی ست و باید بابت آن شکرگزار باشیم که مسیر و ره رسیدن به حقیقت برایمان هموارتر است، نه با زور و اجبار بلکه با دلی آگاه و وجودی مشتاق که ابزارها هم برایمان مهیاترند. اجازه بدهید مثالی بزنم. دو نفر هستند که هر دو قصد دارند کسب و کاری را بیندازند، اولی در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمده، پدر و

مادرش از آن کسب و کار سررشته دارند و می توانند به خوبی راهنمایی اش کنند، راه را بلدند و می توانند کمک خوبی برای فرزندشان باشند، این شخص هم سرمایه اش را دارد هم راهنمایی کاربلد و اهل فن. فرد دوم در خانواده ای قرا رگرفته که هیچ حمایت مالی نمی تواند داشته باشند، سررشته، تجربه و آگاهی هم نسبت به آن کسب و کار ندارند، اهل انجام کارهای بزرگ هم نیستند ذهن های بسته و دیدگاه کوتاه و ریسک ناپذیری دارند حال به نظر شما با اینکه هر دو نفر قصد و هدفشان یکی است، از سایر جنبه ها هم مثل ایده هایی که در سر دارند و اشتیاق کاری هر دو در شرایط یکسانی باشند، کدام فرد می تواند موفقیت بیشتری به دست بیاورد؟ اوضاع و شرایط کدام بهتر است؟ کدام یک با راحتی و سرعت بیشتری می تواند آن کسب و کار راه اندازی کرده و موفق شود؟ مطمئناً پاسخ شما نیز فرد اول است. همان که ابزارها، شرایط و افرادی دارد که کمک کننده اند. در حقیقت فرد اول امکانات و مزایایی دارد که دومی ندارد، شخص دوم باید آزمون و خطا کند، باید سرمایه ای برای خودش دست و پا کند، زمان بیشتری صرف کند تا اطلاعات کافی و منابع کافی به دست بیاورد و این یعنی اینکه سرعت رشد کمتر خواهد شد و موفقیت کمی برای فرد دوم دورتر به نظر می رسد. نفر اول باید بخاطر داشتن آن امکانات، پدر و مادر ثروتمند، ابزار و امکاناتی که دارد و دانش و تجربیاتی که می تواند برای بهبود و پیشرفت

سریع کارش در دسترس داشته باشد شکرگزار باشد نه گله مند. آیا اگر به خاطر چنین امکانات و دارایی هایی که دارد گله و شکایت کند شما به هوش و درایت او شک نخواهید کرد؟ اینک ما در چنین سرزمینی به دنیا آمده ایم، چشمانمان را باز می کنیم و با خدا آشنا می شویم، مسلمان هستیم و کاملترین منبع هم برای سعادت‌مندی و رشد برای خوشبختی در دنیا و آخرت در اختیار داریم، می توانیم به راحتی تحقیق و بررسی کنیم و با آگاهی و بصیرت کافی ایمان بیاوریم .

کتابی داریم که به ما می گوید آفریننده و خالق ما کسی که ما را خلق کرده و یقیناً بهتر از هر فرد دیگری می داند که چه برایمان مناسب ترین و بهترین است چگونه طی طریق کنیم،

راهنمایی هایی دارد که می تواند باعث رشد، شکوفایی و سعادت‌مندی ما شود. به نظر شما این جای گله مندی دارد؟ آیا نباید شاکر بود و این را به عنوان یک نعمت و لطف الهی دانست؟ و آیا این به نفع ما نخواهد بود؟ و آیا آنچه در این کتاب گفته شده به عنوان منبعی که از جانب نیروی برتر و الله مهربان است که ذات پاکش از خطا مبرا است و علم مطلق، دانای مطلق، قدرت و عظمت مطلق و یگانه است می تواند قدیمی و از مد افتاد شود، می شود که احکامی که در آن آمده بی فایده باشد؟! من نمی دانم که پاسخ شما که این مقاله را می خوانید چیست؟ اما میدانم شما که تا اینجا آمده و در حال مطالعه این مقاله هستید یعنی در این مسیر و مدار قرار دارید و به این خردمندی رسیده اید که این جهان و عالم بی نظیر خداوند و آفریننده ای دارد که هر آنچه توصیه می کند برای ما بهترین است، و من نیز از روی خرد درونی، تفکر و شعور الهی که دارم می دانم که که هرگز آنچه خداوند می فرماید نه تنها بی فایده نیست بلکه برای رشد، سعادت‌مندی، زیبایی، موفقیت و خوشبختی انسان است. همان خدایی که ما را با عشق آفریده و بهترین را برای ما می خواهد،

اگر می گوید نماز بخوانید یعنی برای ما خوب است، اگر فرموده که روزه بگیرید پس برای ما خوب است، اگر فرموده که نیک بیاندیشید و نیکی کنید یعنی برای ما خوب است، اگر فرموده که تفکر و اندیشه کنید پس برای ما خوب است، اگر گفته که به اندازه بخورید پس برای ما خوب است، اگر فرموده که از کافران دوری کنید و با دشمنان خدا دوستی مگیرید پس برای ما خوب است، اگر فرموده که زکات بدهید، به یتیمان و در راه ماندگان کمک کنید برای ما خوب است، اگر فرموده که به وسوسه شیطان گوش نکنید یعنی برای ما خوب است و اگر ما این گونه رفتار نمی کنیم حال از سر جهالت یا از سر لجبازی یا از عناد و دشمنی و یا غفلت پس ما خوبی خودمان را نمی خواهیم و او نیز اجبار و اصراری

نخواهد داشت که ما خوب باشیم یا بد ، به سمت او برویم یا شیطان، به راه برویم یا بیراهه.

هیچ اجباری در کار نیست چرا که او ما را آزاد آفریده تا انتخاب کنیم و هر انتخابی هم نتایجی خواهد داشت. قطعاً انتخاب خداوند که خیر محض است برای ما خیر و نیکی ، هماهنگی، آرامش، خوشبختی و زیبایی به بار خواهد نشاند و انتخاب شیطان هم چیزی جز هلاکت، شکست، عدم توازن، رنج و عدم آرامش و پایانی بدفرجام. همه چیز دست خود ماست.

قوانین الهی آنقدر ثابت، محکم، بکر، اصیل و تازه هستند که هرگز قدیمی نخواهند شد و همواره اجرا می شوند. مهم نیست که من یا شما چه نظری در مورد آن داشته باشیم، به قول خود خداوند سنت های الهی هرگز تغییر نمی کنند. این ما هستیم که برای تغییر زندگیمان برای دستیابی به

سعادت باید با قوانین الهی همگام و هماهنگ شویم. قوانین و سیستم الهی بخاطر من یا شما عوض نخواهد شد. مثل لایحه ها و قوانین ساخته دست انسانی نیستند که هر روز تغییر کنند چون علم الهی کامل و مطلق و بی نهایت است. و علم انسانی همواره کوچک و ناقص و در حال گسترش و رشد به واسطه خاصیتی که دارد. اما الله یکتا نیازی ندارد که که اعداد را جمع بزند، فرمولها را محاسبه کند، جبر و معادلات را حل، از سلولهای مغزی اش استفاده کند و آنها را به کار بگیرد تا به قانونی پی ببرد، نظریه ای ارائه بدهد و مسئله ای را حل کند. او همان است که وقتی اراده می کند هر چیزی هست یا نیست می شود. به همین قدرت، اقتدار و یگانگی. نیازی ندارد که کلاسها را به ترتیب طی کنید و دانش را بیاموزد او خود آموزنده تمام دانش هاست. حال من و شما می خواهیم در برابر چنین قدرت و نیرویی اظهار وجود کنیم و یا بعضاً او را نفی و با علم محدود خود به شکل و اندازه و رنگ او را محدود می کنیم که کاری بس مایوس کننده و مایه تأسف است که به جایی نخواهد رسید. اجازه بدهید بگویم که بعضا همین علم به نتیجه ای که ما از قبل رسیده ایم می رسد. همین علم می گوید که روزه درمانی در کلینیک های آن طرف دنیا برای

درمان بیماری‌هایی توصیه می‌شود. همان جایی که حتی مسلمان هم نیستند، هیچ دین و مسلک و مذهبی نداشته و ممکن است که خدا را نشناسند. همین علم دانشمندان و اهل کتاب را به تفکر وا می‌دارد و آنها را از بی‌خدایی به خدا می‌رساند. که مسلمان می‌شوند. آری آنها از دانش خود پی به وجود و فلسفه‌ای در پس این آفرینش می‌رسند به نیرویی خلاق و آفرینشگری شگفت‌انگیز و قابل‌تحسین که چاره‌ای جز تسلیم و سر فرود آوردنی با عشق در برابرش نخواهند داشت. آن چیزی که کتاب آسمانی ما 1400 سال قبل بیان فرموده حالا علم دارد تاتی کنان و آرام آرام به آن می‌رسد. من در کتاب راز روزه داری و قانون جذب مفصل‌تر در این مورد نوشته‌ام .

اگر می‌خواهیم چیزی بگوییم یا نظری بیان کنیم سعی کنیم که آگاهانه‌تر و متفکرانه‌تر باشد. درست نیست هر حرفی به ذهنمان آمد بدون تفکر و تأمل بر زبان جاری کنیم و آن را به همه تعمیم دهیم. اگر در مورد موضوعی به قدر کفایت آگاهی نداریم نباید صحبت کنیم، ما در برابر کلامان مسئول هستیم. برای آگاه شدن مطالعه بیشتری داشته باشیم، کتابهای بیشتری بخوانیم

و بیشتر تفکر کنیم. فردی می‌گفت من قرآن را قبول ندارم بیهوده گویی دارد! من فقط از او پرسیدم چند بار قرآن را کامل مطالعه کرده‌ای؟ گفت هیچ بار. من هیچ نگفتم، در دلم تاسف خوردم و یقینم به این کتاب بیشتر شد. کسی که در طلب حقیقت نباشد و نخواهد که آن را ببیند و بشنود هیچ راهی برای دریافت آن نخواهد داشت و آن را نخواهد دید، چشم دل او کور می‌شود و نمی‌تواند حقیقت را درک و لمس کند و خداوند هم به او کمک می‌کند تا در مسیر همان خواسته‌اش بیشتر پیش رود یعنی در گمراهی و به قول قرآن کریم آیه 7 سوره بقره که می‌فرمایند خدا مهر نهاد بر دلها و گوش‌های ایشان، و بر چشمهای ایشان پرده افتاده و ایشان را عذابی سخت است. یا در آیه دیگری 18 که می‌فرمایند صم بکم عمی فهم لا یرجعون آنها کر و گنگ و کورند و بر نمی‌گردند.

اگر طالب و تشنه حقیقت باشی آن را خواهی یافت و الله نیز به تو کمک خواهد کرد تا به روشنایی برسی و نور برسی. این همان قانون الهی است که هر چه که تو در پی آن باشی خواهی یافت. اگر در پی خدا باشی او را در نزدیکترین جا خواهی یافت در وجود خودت

و سراسر نور خواهی گشت و ایمان و اگر طالب و رهرو شیطان باشی آن را هم خواهی یافت و تاریک و ظلمانی تباہ شده در دنیا و آخرت.

ابو سعید ابوالخیر چه زیبا می سراید :

گر در طلب گوهر کانی کانی

ور زنده به بوی وصل جانی جانی

القصة حدیث مطلق از من بشنو

هر چیز که در جستن آنی آنی

بیایید بزرگ اندیش و اهل کتاب باشیم. به جز اهل کتاب و اندیشمندان نمی توانند به آگاهی حقیقی برسند. روشنفکر و روشندل بودن دیدن نادیدنی است و گرنه دیدنی ها را که همه می توانند ببینند. کودکی 5 ساله درخت یا گل را همانگونه می بیند که انسانی 50 ساله اما نوع برداشت ذهنی، آگاهی و باور است که تفاوت را در دو ذهن به نمایش می گذارد. یک کودک اگر در برابر خرس یا شیری درنده قرار بگیرد به سمتش می رود و دستش را برای گرفتن آن دراز می کند اما انسان 50 ساله تا جایی که می تواند از قدرت و توانش برای فرار کردن استفاده می کند

درک موقعیت و شناخت است که تفاوت ایجاد می کند و گرنه کودک هم خرس را خرگوشی دوست داشتنی نخواهد دید.

حقیقت را باید با دل درک کنیم، جایی که عقل می ماند دل و شعور درونی و الهی پیش خواهد رفت و تو اگر حاضر و آگاه باشی می توانی تفاوت این دو را خوب درک کنی. بصیرت، عقل و خرد قابل دیدن نیست، شکل و رنگ هم ندارد اما از شواهد و نشانه ها می توان به آن پی برد. پس اینقدر به چشم سر خودمان بند نباشیم، بیدار دل باشیم نه بیدار چشم، چشمان قادر نیستند همیشه بیدار بمانند می خوابند و استراحت می کنند و اگر بخواهند که همیشه بیدار بمانند روال و نظم طبیعی زندگی شما به هم خواهد خورد. بیمار و خسته خواهند شد، چشم به استراحت نیاز داشته و محدودیتهای خودش را دارد اما دل اگر بیدار گردد برای همیشه بیدار خواهد ماند، هرگز نیازی به استراحت نداشته از بیداری خسته و بیمار هم نمی شود بلکه بیناتر، حاضرتر و آگاه تر می گردد و این خاصیت دل است و تفاوت چشم دل و چشم سر نیز همین است.. دل بیدار همیشه همه چیز را همانطوری که حقیقت دارد می بیند اما چشم سر خسته و بی خواب که بشود دچار توهم شده و واقعیت را آنطور که باید و هست نمی بیند.

بیدار دل باشید و بدانید که خداوند بندگان با ایمان و هماهنگ با قوانین خود را به سعادت مندی و رستگاری در دنیا و آخرت وعده داده و وعده خداوند حق است. او هرگز خلف وعده نخواهد کرد.

پس سعی کنیم برای سعادت خودمان هم که شده نیک اندیش باشیم، آگاهی کافی به دست بیاریم، بیدار دل باشیم. سعی کنیم حقیقت را بینیم و درک کنیم تا در حد کمال انسانی خودمان ظاهر شویم. در نهایت این تو هستی که انتخاب می کنی چون تو را خدا با قدرت اختیار آفریده تا

آنگونه که می خواهی زندگی کنی و مسئول نتایج نیز خود تو خواهی بود... اما یادت باشد تو همانی هستی که خداوند تو را آفرید و فرشتگانش را امر کرد که تو را سجده کنند این است عظمت و جایگاه والای تو در پیش الله یکتا. این را همیشه به یاد داشته باش.

صائب تبریزی چه زیبا می گوید:

دل آگاه تا دارد نفس از پای ننشیند

نگیرد هیچ جا آرام چون سیماب بیداری

زماه آسمان گردد درو بام نظر روشن

درون خانه دل را بود مهتاب بیداری

مده در گوش خود ره گفتگوی اهل غفلت را

که می گردد از این افسانه مست خواب بیداری

دل روشن بود از دیده بی خواب مستغنی

چراغ روز باشد در شب مهتاب بیداری

همه شما را به خداوند بزرگ می سپارم در پناه الله مهربان مهرورز، موفق و ماندگار باشید

آرزو نصرتی

بیست و ششم رمضان 1439 / 97.3.22

آدرس وب سایت: www.jadoyejazzb.com